

راهنمایی اجمالی در تنظیم فهرست و تعیین

سرعنوانهای موضوعی

هوشنگ اعلم

هدف

هدف فهرست موضوعی را میتوان چنین خلاصه کرد: فهرست کردن همه کتابهای هم موضوع موجود در کتابخانه تحت عنوانهای همشکل.

فایده

هر که به کتابخانه مراجعه میکند بالضرورة عنوان کتاب یا نام نویسنده یا مترجم خاصی را در نظر ندارد و شاید تازه بخواهد کتاب و اطلاعاتی در باره موضوعی به دست آورد. در این صورت، فقط «فهرست موضوعی» می تواند او را به کتاب یا کتابهایی که حاوی اطلاعات منظور اوست راهنمایی کند.

تذکر - بر که های فهرست موضوعی را هم میتوان جداگه داشت و هم میتوان به ترتیب الفبائی با بر که های دیگر کتابخانه (بر که های عنوان و مؤلف و غیره) یکجا گذاشت. عناوین موضوعی را بعضی کتابخانه ها قرمز چاپ میکنند یا مینویسند، و این رسم بسیار خوبی است.

عنوان ویژه (اخص)

تعیین عنوان موضوعی ویژه برای کتابها نخستین اصل تنظیم فهرست موضوعی است. آشکار است که اگر کسی کتابی مثلاً در باره پل بخواهد قاعده و طبیعتاً در

فهرست به واژه‌پل مراجعه می‌کند نه موضوع اعم مهندسی یا حتی به موضوع محدودتر مهندسی راه و ساختمان .

وحدت شکل عنوانها

فهرست‌نگار باید در تعیین عنوانهای موضوعی پیوسته واژه‌ها و اصطلاحات واحدی را به کار برد و نه اینکه برای بیان یک موضوع واژه‌های گوناگونی را استعمال کند (مثلاً السنه - زبانها، حاملگی - آبستنی، زبانشناسی - فقه‌اللغه). بدین منظور باید لیست موثقی از عنوانهای موضوعی برگزیده و مصوب در اختیار داشته باشد.

تذکره - برای کتابهای انگلیسی میتوان به سه کتاب مراجعه کرد:

- 1- Sears List of Subject headings
- 2- Sears List of Subject headings for small libraries
- 3- The Library of Congress Subject headings

و برای کتابهای فرانسه به Vedettes-Biblio (Hachette)

البته کتابهای مزبور را در مورد کتابهای فارسی و عربی نیز میتوان به کار برد. در ایران صورت موقتی به صورت پللی کپی درست شده که باید به تدریج به یاری همه کتابداران و فهرست‌نگاران منقح شود و عاقبت روزی رسمیت آن به تصویب رسد.

درک موضوع کتابها

موضوع کتاب را همیشه نمیتوان و نباید از روی عنوان آن (چنانکه در «صفحه عنوان» مذکور است) دریافت زیرا عنوان کتابها غالباً گمراه کننده است. برای اطمینان از موضوع کتاب، فهرست کننده میبایست به فهرست مندرجات، سرفصلها، پیشگفتار و گاهی حتی به متن کتاب مراجعه کند. گاهی نیز موضوع کتاب چندان متنوع و پیچیده است که میبایست به متخصصان آن فن رجوع کرد. بهر حال فهرست کننده همیشه باید کتابها را از نقطه نظر خواننده در نظر گیرد و خود را به جای خواننده بگذارد.

شیوه‌های بیان عنوانهای موضوعی

الف - اسم واحد

ساده‌ترین شکل عنوانهای موضوعی اسم واحد است . بیشتر مضامین وسیع دانش و چیزها را میتوان با اسمهای واحد بیان کرد، مانند هنر، کشاورزی، دین، سیب، ویولن، کوزه‌گری . ولی متأسفانه (اولاً) در همه زبانها واژه‌های بسیطی برای یک مفهوم واحد وجود ندارد (مثلاً آموزش و پرورش: Education)؛ (ثانیاً) بسیاری از واژه‌ها مترادف‌هایی دارند (مثال: درك - فهم - شعور) که از میان آنها یکی را باید برگزید؛ (ثالثاً) یک واژه ممکن است دو یا چند معنای مختلف داشته باشد (شیر، date, bridge) . در مورد اخیر باید اسم را بوسیله توضیحی در پرانتز مشخص کرد، مثلاً: شیر (حیوان)، شیر (خوراکی)، شیر (آلت).

ب - عنوانهای مرکب

با واو عطف میتوان (اولاً) دو اسم را که مفهوم آنها در ذهن به آسانی قابل تفکیک نیست و معمولاً در کتابها با هم مورد بحث قرار میگیرند بهم مربوط ساخته عنوان جامعی بر ساخت (مثال: آموزش و پرورش، شعر و شاعری، ساز و آواز، قایق و قایقرانی)؛ (ثانیاً) یا دو موضوع مختلف را که ارتباط و نسبت آنها با یکدیگر منطوق است (مثال: دین و دانش، زن و زندگی، آدم و حوا)؛ (ثالثاً) دو موضوع متضاد را که معمولاً یکجا مورد بحث واقع میشوند (مثال: شک و یقین، خیر و شر، غم و شادی). برای تقدم و تأخر دو جزء این گونه عنوانها قاعده‌ای نیست . بهر حال هر ترتیبی که اتخاذ شود باید از ترتیب معکوس به ترتیب برگزیده ارجاع داد.

ج - اضافه (موصوف به صفت یا دو اسم)

گاهی مفهوم ویژه‌ای را به بهترین وجه میتوان با یک اضافه نشان داد .

مثال :

ادبیات فارسی	بیمهٔ عمر	آموزش ابتدائی
ادبیات عرب	بیمهٔ آتش سوزی	آموزش متوسطه
	بیمهٔ حوادث	آموزش عالی

د - گاهی اتفاق می‌افتد که بعضی مفاهیم را نمیتوان بدرستی باشیوه‌های پیشین بیان کرد و ناچار باید ترکیب یا عبارت مفصل‌تر دیگری بکار برد. مثال:

انتشار جغرافیائی جانوران و گیاهان

متفقین در ایران

مبارزه با آفات گیاهی

گاهی لازم میشود که نظم طبیعی دستوری اجزاء عنوان مرکب را مقلوب ساخته جزء اصلی مهمتر را مقدم بداریم مثال:

آفات گیاهی ، مبارزه با

شخصیت ، امراض

پزشکی ، دانشکده‌های - ایران

تقسیمات فرعی موضوعات

اصل «عنوان ویژه» را در بعضی موارد فقط از طریق تقسیم فرعی یک موضوع کلی با واژه‌ها و عباراتی می‌توان اجراء نمود که دال بر جنبه‌های مخصوص آن موضوع کلی میباشند. مثال:

موسیقی

موسیقی - تاریخ

موسیقی - آکوستیک و فیزیک

موسیقی - تئوری

موسیقی - واژه‌نامه

موسیقی - کتابنگاری

موسیقی - آموزش

موسیقی - کتابهای درسی

بدیهی است که تقسیم فرعی در مورد عنوانهایی که عبارت از اسمهای جغرافیائی باشد نیز ممکن است:

ایران - سفرنامه (ها)

طبرستان - تاریخ

تهران - بیمارستانها

خلیج فارس - سیاست و حکومت

اصفهان - آرامنه

عربستان - تاریخ - دوره جاهلیت

تذکر - در تقسیمات فرعی یک خط فاصله (-) میان موضوع کلی و تقسیمات فرعی آن گذاشته میشود.

تعداد عنوانهای موضوعی برای یک کتاب

از لحاظ نظری، حدی برای تعیین تعداد برگه‌های موضوعی که بتوان برای یک کتاب درست کرد نیست. برای بسیاری از کتابها یک عنوان کافی است، ولی غالباً دو عنوان لازم میشود و گاهی نیز سه عنوان برای ادای حق مطالب یک کتاب لازم میآید. از سه که گذشت فهرست کننده میبایست به خود آمده بیاندهد که شاید در تعیین حدود موضوع کتاب اشتباه کرده است. بهر حال، قاعده را میتوان چنین بیان کرد: در یک زمینه تا سه عنوان ویژه میتوان مقرر داشت. ولی اگر کتابی از موضوعات دیگری نیز بحث میکند، در اینصورت باید برای آن کتاب عنوانی را که بلافاصله اعم باشد اتخاذ کرد و عنوانهای اخص را رها کرد. مثلاً اگر کتابی درباره

انواع لیمو (لیموترش، لیموشیرین) باشد، دو برگه یکی بعنوان لیموترش و دیگری به عنوان لیموشیرین درست میکنیم. اگر آن کتاب ضمناً مطالبی نیز در باره پرتقال دربر داشته باشد، میتوان برگه سومی نیز به عنوان پرتقال درست کرد. اما اگر در آن کتاب از توسرخ و نارنج هم سخن رفته باشد، یگانه عنوان موضوعی شایسته آن کتاب همانا مرکبات میباشد.

ارجاع و رجوع در فهرست موضوعی

برای بسط فایده فهرست موضوعی و کمک به مراجعان در یافتن کتابهای منظور خود، باید از طریق «ارجاع» ایشانرا به عنوانهای موضوعی برگزیده رهبری کرد.

سه گونه «ارجاع» در فهرستهای موضوعی معمول است:

۱) ارجاعات ویژه «... را ببینید» که در موارد زیر بکار میرود:

۱- از موضوعات مترادف یا تقریباً مترادف به عنوان موضوعی برگزیده (مثلاً از موضوع انگلستان به بریتانیای کبیر و از مسالک و ممالک به سفرنامه).

ب- در مورد عنوانهای مرکب از دو اسم مربوط با او و عطف، از جزء مؤخر به جزء مقدم (مثلاً از دانش و دین به دین و دانش).

ج- از املاهای گوناگون به املاء برگزیده (مثلاً از تبرستان به طبرستان).

د- از متضاد موضوعی به خود آن موضوع (در صورتی که متضاد موضوع مطرح باشد ولی مذکور نباشد) (مثلاً از موضوع بیعدالتی به عدل).

ه- از مفرد به جمع و بالعکس، در صورتی که هر دو شکل از لحاظ القبائی در دنبال هم واقع نشوند (مثلاً از ساسانیان به ساسانی و از مجنون به مجانین).

۲- ارجاعات ویژه «نیز... را ببینید» که بطور کلی از موضوعی اعم به موضوعات اخص مربوط بدان انجام میگیرد (معمولاً معکوس آن درست نیست).

مثال: «... را ببینید» در مورد «تاریخ ایران» به «تاریخ فارس».

«علم. ریاضیات را نیز ببینید»

«ریاضیات هندسه را نیز ببینید»

«هندسه. هندسه تحلیلی را نیز ببینید»

ارجاعات «... را نیز ببینید» میان موضوعات مربوط بهم نیز که کمابیش ویژگی مساوی داشته باشند بکار می‌رود. مثال: «رسم. نقاشی را نیز ببینید».

۳) ارجاعات کلی که عبارت است از ارجاعات نوع «... را ببینید» و «... را نیز ببینید» که مراجعان را از عنوانی به همه عنوانهای یک طبقه و دسته خاص رهبری میکنند و معمولاً در موارد زیر بکار می‌رود:

۱- ارجاع به اسمهای عام یک طبقه. مثال:

گل

گیاهان سالیانه ... و نامهای گلها را (مثلاً نرگس) ببینید.

ب- ارجاع به نامهای کسان. مثال:

هنرمندان

نقاشان ... و نامهای هنرمندانرا (مثلاً پیکاسو) ببینید.

ج- ارجاع به نامهای سازمانها، ساختمانها، انجمنها و غیره. مثال:

دانشکده‌ها

دانشگاه تهران ... و نامهای دانشکده‌ها را (مثلاً دانشکده پزشکی) ببینید.

د- ارجاع به نامهای عوامل جغرافیائی. مثال:

کوهها

کوهنوردی ... و نامهای سلسله کوهها (مانند سلسله البرز) و کوهها (مانند

دماوند) را ببینید.

ه- ارجاع به بحثهای جغرافیائی در باره یک موضوع کلی. مثال:

جمعیت

نامهای کشورها و شهرها و غیره را زیر تقسیم فرعی «جمعیت» نیز ببینید. مثال:

ایران - جمعیت.

و - ارجاع به انواع و اشکال گوناگون تألیف در باره یک موضوع. مثال:

کتاب لغت، نام زبان یا موضوع را تحت تقسیم فرعی واژه‌نامه‌ها نیز ببینید. مثال:

زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها، فرهنگ - آمار

ز - ارجاع به ادبیات ملی و محلی. مثال:

شعر

غزلیات ... و شعر فارسی، شعرا و ستایی و غیره را نیز ببینید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی